

مسائل کیفری جامعه در دوره مشروطیت با تکیه بر اسناد عدلیه

حمیده شهیدی¹

تاریخ دریافت: 1397/05/31
تاریخ پذیرش: 1397/07/15

از صفحه 1 تا 18

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی
سال پنجم، شماره هجدهم، پاییز 1397

چکیده

یکی از اتفاقات مهمی که منجر به تحول در قلمروهای مختلف از جمله ساختار حقوقی و قضایی کشور شد، انقلاب مشروطه است. این نوشتار برآن است به روش توصیفی - تحلیلی، چالش‌های نظام قضایی ایران در حوزه جزا را از میان منابع استخراج نماید. روح حاکم بر این مطالب، نتیجه بررسی و مطالعه حجم وسیعی از اسناد تشکیلات اداری عدلیه به تعداد ده هزار برگ سند می‌باشد. این اسناد که تاکنون مورد بهره‌برداری پژوهشگران قرار نگرفته مربوط به دوره مشروطیت (1324-1344 ق/ 1285-1304 ش) است. با توجه به این اسناد از بررسی چالش‌های نظام قضا در دوره مشروطیت در حوزه حقوق کیفری، می‌توان چنین نتیجه گرفت که ضعف قباله‌های املاک سبب ایجاد پدیده جعل اسناد مالی و ملکی می‌شد و فقر اقتصادی در این دوره سبب بروز جرائم سرقت و راهزنی بود. از سوی دیگر با انقلاب مشروطیت، کشور ایران در نظام نوین حقوقی قرار گرفت و جرائم سیاسی و مطبوعاتی نیز مورد توجه قرار گرفت.

کلید واژه‌ها

مشروطیت، نظام قضایی، مشکلات جزایی.

1- دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی از دانشگاه فردوسی مشهد؛ کارشناس اسناد تاریخی آرشیو آستان قدس رضوی .
shahidi2018@iran.ir

مقدمه

اگرچه سیستم قضایی ایران در ادوار مختلف، تحولات گوناگونی را پشت سر نهاده؛ اما در هر صورت متأثر از سوابق تاریخی آن است. زمانی تحقیقات تاریخی معنا پیدا می‌کند که در مسیر فهم تجارب فرهنگی و اجتماعی نقبی از حال به زمان گذشته زده شود. به این منظور پژوهشگر می‌تواند با بهره‌گیری از منابع، نمایشی از جریان پیوسته تاریخی را از گذشته به حال نشان دهد و در فهم نظام قضایی کنونی، مفید فایده باشد. چرا که جریانات به وقوع پیوسته، در نظام قضایی کنونی نیز ادامه دارد؛ بنابراین جهت شناخت بهتر نظام قضا در ایران، توجه به مطالعات میان‌رشته‌ای علم حقوق و تاریخ از ملزومات آن است. انقلاب مشروطه منجر به تحول در قلمروهای مختلف از جمله ساختار حقوقی و قضایی کشور گردید. از آنجا که قوانین وضع شده، فرآورده سیاسی و حقوقی زمان‌های خویش هستند، این امر در دوره مشروطیت نیز صادق است. جهت تحلیل بهتر این قوانین لازم است اوضاع اجتماعی و سیاسی آن دوران را شناخت. یکی از ابعاد این شناخت، بررسی مشکلات قضایی موجود در جامعه است. استخراج مشکلات و دعاوی، بیانگر واقعیاتی در بستر اجتماعی، اداری و سیاسی جامعه ایران است.

با توجه به سؤال اصلی این پژوهش: مشکلات کیفری جامعه در دوره مشروطیت چه بود؟ این نوشتار برآن است به روش توصیفی - تحلیلی، چالش‌های نظام قضایی ایران را در حوزه حقوق کیفری از میان منابع استخراج نماید. روح حاکم بر این مطالب نتیجه بررسی و مطالعه حجم وسیعی از اسناد منحصر به فرد به تعداد ده هزار برگ سند می‌باشد. این اسناد که تاکنون مورد بهره‌برداری پژوهشگران قرار نگرفته است متعلق به امجد السلطان - معاون وزیر عدلیه در دوره مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمدشاه قاجار است که داده‌های تاریخی ارزشمندی را در خود جای داده است. هرچند اسناد مذکور عمدتاً با هدف اداری و اجرایی به نگارش درآمده‌اند اما با خوانش آنها و تبدیل «داده» به «فاکت» (گزارش‌های نزدیک به واقع)، می‌توان در پژوهش‌های تاریخ نظام قضا مورد استفاده قرار داد و کاستی‌های منابع تاریخی را به کمک آن ترمیم نمود. بدیهی است در این میان، منابع تاریخی هم پژوهشگر را در تکمیل کاستی‌ها و فهم و تفسیر بهتر این اسناد یاری می‌کنند. عمده این مجموعه اسناد هم اکنون در مرکز آرشیو

اسناد آستان قدس و بخش کمتری از آن در مرکز آرشیو مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

مشکلات کیفری

جرائمی که در محاکم عدلیه در دوره مشروطه مورد رسیدگی قرار می‌گرفت، به سه درجه تقسیم می‌شد: 1. جنایت 2. جُنحه 3. خلاف. طبق آنچه که در قوانین مصوب سال 1330 ق آمده است، این جرم‌ها بر اساس نوع مجازات و جزای آن مشخص می‌شدند. دعوای جنایت نظیر قتل عمدی، زنا به عنف، خیانت به پادشاه، سرقت مسلحانه، دعوای جُنحه نظیر سرقت و جراحات سخت. موارد خلاف هم جرم‌های سبک‌تر، نظیر توهین و ایجاد مزاحمت برای مردم را شامل می‌شد (مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت: ص 195). در میان اسناد تشکیلات اداری دستگاه قضا، مشکلات کیفری شامل این جرائم می‌شد: 1. جعل اسناد، 2. جرائم سیاسی و مطبوعاتی، 3. سایر جرائم نظیر سرقت، قتل، شرارت و نزاع.

از بارزترین مشکلات کیفری در این دوره، جعل اسناد می‌باشد. چندین پرونده در این باب موجود است که دربرگیرنده جعل اسناد املاک و مستغلات همچنین جعل اسناد مالی است. در کتابچه «قانون نظمیه و امنیه بلدیه» که در زمان ناصرالدین‌شاه به تاریخ شوال 1296 ق. توسط کنت دومونت فورت ایتالیایی نوشته شده، (دامغانی، 1357: ص 17-27) برای جعل اسکناس، قلب سکه، ساختن مهر شاه و یا جعل دست خط وی مجازات تعیین کرده و به جعل سایر اسناد نپرداخته بود. به نظر می‌رسد انواع دیگر جعل، در سال‌های بعد بیشتر متداول و یکی از جرائم مورد توجه بوده است. این امر نشان دهنده هرج و مرج اقتصادی، اوضاع نابسامان اجتماعی و ضعف در تنظیم اسناد و قراردادهای مالی در اواخر دوره مظفری و سال‌های مشروطیت است. از مهم‌ترین پرونده‌های قضایی در این باب، کشف باندهی موسوم به کاغذسازها در سال 1328 ق 1288/ ش بود. شکایت‌هایی از این باند موجود است. از جمله: عریضه مادر احتشام‌الملک از شاهزاده‌های قاجار، درباره فروش ملکش توسط شاهزاده عین‌الدوله با کاغذ جعلی که کاغذ سازها ساخته بودند (مرکز آرشیو اسناد آستان قدس رضوی: سند شماره 61614).

جعل اسناد به علت نقشی که در ناکارآمدی و ممانعت از توسعه، برهم زدن نظم اخلاقی و از بین بردن مشروعیت روابط اجتماعی و اقتصادی دارد، می‌باید کانون توجه سیاست‌گذاران و دولتمردان قرار گیرد. به نظر می‌رسد در این دوره نیز بنا بر اهمیت موضوع، دولت‌مردان همت خود را برای مقابله با این پدیده به کار می‌بندند. جهت مشاوره و رسیدگی به پرونده کاغذسازها این افراد انتخاب می‌شوند: شاهزاده رکن‌الممالک، منصورالسلطنه، آقا شیخ جلال، مشاورالملک، حاج آقا نورالدین، مجدالسلطان (همان: سند شماره 60596). افراد مذکور در روزهای یکشنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه، در اتاق محاسبات تشکیل جلسه می‌دادند و گزارش روزانه خود را به صورت محرمانه به وزیر عدلیه ارائه می‌کردند. به نظر می‌رسد علت محرمانه بودن مکاتبات، این بود که افراد سرشناس و صاحب رتبه‌ای در این پرونده در مظان اتهام بودند. این امر، رسیدگی به این پرونده را سخت می‌کرد. در گزارش مدعی‌العموم خطاب به وزیر وقت عدلیه، در سال 1328 ق در این باره چنین ذکر شده است:

«... مطلب اخیر عمده که باید قابل توجه و جالب نظر دقت اولیای امور باشد، مسئله متهمین به کاغذسازی است و علت اهمیت این مسئله آن است که در ضمن تحقیقات، اسم بعضی اشخاص به میان آمده است که اگر از طرف مدعی عمومی جلب و در تحت رسیدگی و محاکمه بیایند، ممکن است به واسطه رتبه و مقام و یا به واسطه نفوذ مادی و معنوی که دارند بعضی اشکالات فراهم شود و اگر برعکس اغماض شود، تحقیقات ناقص شده و نتیجه‌ای که مطلوب است، حاصل نشده است و اشکالات دیگر پیش می‌آید». در پاسخ به آن، وزیر عدلیه به تحقیق بدون ملاحظه، تأکید داشت. در عین حال در ارتباط با افراد مهمی که در این پرونده در مظان اتهام بودند، دستور داد که قبل از هر اقدامی به هیئت وزرا اطلاع و کسب تکلیف نمایند (همان: سند شماره 60595).

در گزارشی بدون امضاء خطاب به امجدالسلطان، معاون وقت عدلیه، نام اشخاصی ذکر شده است که با جمعی از کاغذسازها همدست بوده‌اند. از جمله سید احمد از وکلاء قدیمی ملقب به ناصرالشریعه که با چند کاغذ ساختگی در زمان استبداد (پیش از انقلاب مشروطه)، خانه‌های مردم را مالک می‌شد. از دیگر همدست‌های او به این افراد اشاره شده است: نظام‌العلمای مازندرانی، سید محمدتقی بروجردی با دو پسرش، سید مطهر، حاج ملا اسماعیل، سید ابراهیم ترک تبریزی، شیخ جعفر فاضل معروف به خلخالی. در

ادامه این گزارش، به این امر اشاره شده است که این باند علاوه بر کاغذسازی، سکه زنی و مشاقتی را هم انجام می‌دادند. مهرهایی را نیز منسوب به علمای برجسته از جمله حاجی آقا مجتهد، می‌ساختند و بر روی اسناد ساختگی، جهت تصاحب املاک مردم، ممه‌ور می‌کردند:

«...این اشخاص مفصله در فوق زیاد هستند؛ ولی راوی بیشتر از اینها را نتوانست یاد بگیرد. [راوی] در خانه مرحوم حاج سیداسحق ناظم الشریعه، برادر همین آقا سید احمدناصرالشریعه [وکیل عدلیه]، سال‌های متمادی این اشخاص را دیده است که مشغول به کاغذسازی بوده‌اند. نه فقط کاغذسازی، کارهای دیگر از قبیل سکه زنی و مشاقتی را هم دارا بوده‌اند. یک نفر هم مه‌رساز دارند که شخص مه‌رساز، در پست‌خانه مبارکه هم کار دارد. ظاهراً مه‌ره‌های پست را او حکاکی می‌کند و اسم شخص مه‌رساز، میرزا محمدخان سرهنگ گلپایگانی است و از قراری که مذکور است، همین سید احمد و اجزاء عدلیه، به او خبر داده‌اند که راپورت اعمال تو را به عدلیه داده‌اند. تو ملتفت خودت باش که برای امتحان کاری، به تو رجوع کنند. بدان که برای امتحان است و دو عدد از مه‌ره‌های ساختگی میرزا محمدخان سرهنگ از خانه سید احمد، ظاهراً از توی اسباب زن سید احمد به دست آمده است که مه‌رها، یکی فلزی است یعنی سرب و یا قلع است و دیگری برنجی است. آن مه‌ر برنجی را ندیده‌ام ولی مه‌ر فلزی که سربی است، آورده‌اند و حقیر دیده و به کاغذ هم زده‌ام. از قراری که می‌گویند مه‌ر مرحوم حاجی آقا مجتهد، برادر مرحوم آقا شیخ هادی اعلی‌الله‌مقامه است. از قرار مذکور، این دو مه‌ر با چند کاغذ ساختگی که سیداحمد در زمان استبداد ساخته است تا خانه‌های¹ مردم را مالک شود...» (همان: سند شماره 60596). مدرکی دال بر گناهکاری یا بی‌گناهی افراد مذکور موجود نمی‌باشد و از سرنوشت پرونده کاغذ سازها و حکم صادره در این باب، اطلاعی به دست نیامد.

از مشکلات حکومت مشروطه، وجود مخالفان سیاسی بود. در این زمان آنچه در ردیف مشکلات کیفری جلب نظر می‌کند، مجرمان سیاسی و زندانیان سیاسی هستند. این امر جزو دغدغه‌های حکومت شده بود؛ به طوری که در مجلس مطرح و در این باب،

1- اصل: خان‌های

به تاریخ 8 ذی‌القعده 1329، ماده‌واحد‌ای صادر گشت و در آن اعلام می‌شود: «اشخاصی که در طهران و سایر ولایات بعد از عفو عمومی 15 شعبان 1327، به ضدیت حکومت ملی به هر عنوان، عملاً قیام و اقدام کرده‌اند حقوق دیوانی آنان نقداً و جنساً مقطوع است. دولت اسامی اشخاصی که به‌موجب این قانون، حقوق آنان مقطوع می‌شود، باید در روزنامه رسمی اعلام نماید» (مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت: 164).

در گزارشی از مدعی‌العموم به تاریخ 17 جمادی الاخر 1328، از مجرمان سیاسی به‌عنوان مقصرین پلتیکی یاد شده است. در این گزارش، تعداد آنان را که در زندان محبوس بودند، به عدد ذکر نکرده و واژه کیفی زیاد» را آورده و درباره آنان از وزیر عدلیه کسب تکلیف شده است (مرکز آرشیو اسناد استان قدس رضوی: سند شماره 60595). وزیر عدلیه در پاسخ به مدعی‌العموم، جهت روشن شدن تکلیف مقصرین پلتیکی بر این امر تأکید می‌کند: «راجع به مقصرین پلتیکی قرار بر این شده است که هیئت وزرا عظام در تحت مسئولیت خودشان به امر آنها امعان نظری فرموده که قراری که مقتضی است، بدهند» (همان). از جمله افرادی که به مناسبت بعضی مطالب سیاسی» حبس شده بود، شخصی به نام عبدالله است که همسرش طی عریضه‌ای آزادی وی را درخواست کرده بود:

«به عرض می‌رساند این کمینه مستدعی می‌باشم محض رضای خدا، محض خاطر مشروطیت، شما را قسم می‌دهم این عبدالله خادم را مرخص بفرمایید. مدت چهار ماه تمام است، حبس می‌باشد در حکومت. پیش حکومت می‌رویم، می‌گوید باید از رئیس نظمیّه نوشته بیاورید تا او را مرخص کنیم. این بیچاره بی‌نوا، عیال‌وار می‌باشد. عیال و اطفال او از گرسنگی تلف می‌شوند. نان‌آور دیگر ندارند شما را به خاطر خدا، دو کلمه نوشته مرحمت بفرمایید که حکومت، این را مرخص نماید؛ استتطاق او را که تمام کردند. زیاده چه عرض نمایم، امر امر مبارک است» (آرشیو اسناد مجلس شورای اسلامی: کارتن 89، پرونده 23، ص 448 و 449).

یکی دیگر از مصادیق جرم‌های کیفری، تخلفات مطبوعاتی است. اصل بیستم قانون اساسی مشروطیت، ضمن بیان آزادی مطبوعات، پیش‌بینی قانون مطبوعات را از نظر دور نداشته و متخلفان قانون مطبوعات را مستحق مجازات دانسته است: «عامه مطبوعات، غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است؛ ولی

هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آن‌ها مشاهده شود، نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند» (مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت: 5).

ماده 187، باب سوم از قوانین موقتی محاکمات جزایی، محکمه جنایی را جهت رسیدگی به جرم‌های جنحه که به واسطه مطبوعات ایجاد شده باشد، تعیین می‌کند. (مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت: ص 195). با بررسی پیشینه قانون مطبوعات، نخستین آیین‌نامه رسمی، مربوط به ممیزی مطبوعات، بازرسی، سانسور قلم و بیان در کتابچه قانونی کنت دومونت فورت ایتالیایی که پیش‌ازین به آن اشاره شد، در دوره ناصری تدوین شده بود. مهم‌ترین جرائم مورد بحث در آن، این موارد را دربرمی‌گیرد: انتشار موضوعی بر ضد مذهب، دولت، ملت، شاه، تحریک علیه دولت، افترا و تهمت به دولت (دامغانی: 17-27). در تمام قانون‌های مطبوعات که بعد از آن تدوین شد، این جرائم محور و اصل قرار گرفتند (قاضی‌زاده، 1374: 67).

در دوره مشروطه، اصل بیستم قانون اساسی، آزادی قلم و بیان را برای همگان تأمین کرده بود؛ اما برای این که حدود آزادی شناخته شود و گناه تجاوز از آن معلوم باشد، نیاز به تصویب قانون خاصی درباره مطبوعات بود؛ از این رو به تاریخ پنجم محرم 1326 ق (18 بهمن 1286 ش) نخستین قانون مطبوعات ایران به تصویب مجلس شورای ملی رسید. مهم‌ترین موارد جرائم مطبوعاتی پیش‌بینی شده در این قانون عبارت است از:

1. انتشار مقالات مضره به مذهب و عقیده اسلامی (ماده 33). 2. انتشار مطالبی مشتمل بر هتک احترام، شرف و کسر اعتبارات شخصیه افراد یا نسبت به وزیری یا مبعوثی (وکلاهی دو مجلس شورای ملی و سنا) یا کارگزاران امور دولتی (مواد 34، 35 و 36). 3. انتشار مطالبی مشتمل بر هتک احترام، شرف و کسر اعتبارات نسبت به افراد ناس (مواد 34 و 37). 4. توهین به مقام سلطنت (ماده 31) تحریص و تهییج مردم به ارتکاب جنحه، جنایات یا سرقت، قتل، نهب و غارت یا تضعیف قدرت مملکتی در خارجه، سلب امنیت، اختلال آسایش عمومی و انتظام داخله. ترغیب و تشویق اهل نظام به نافرمانی (مواد 26، 27، 28 و 29). 5. جعل اخبار و مقالات فتنه‌انگیز و انتشار آنها و نسبت آن به کسی (ماده 32) (مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت: 60-63).

در منابع، به تخلف مطبوعاتی دو روزنامه شرق و ایران نو نسبت به قوه مجریه اشاره شده است. این روزنامه‌ها که وابسته به دموکرات‌ها بودند، آن قدر به دولت سپهدار تاختند تا این که به‌طور موقت توقیف شدند. به دنبال آن منتصرالسلطان، از وکلای دموکرات در مجلس، در این باب به اعتراض پرداخت. او به‌موجب قانون اساسی استدلال کرد که قبل از محاکمه عدلیه، نمی‌توان هیچ روزنامه‌ای را توقیف کرد. روزنامه‌های یاد شده به‌موجب حکم اداره نظمیه، قبل از جلب مدیران آنها به عدلیه توقیف شده بود و منتصرالسلطان می‌گفت که این روند، قانون انطباعات را متزلزل می‌کند، زیرا هر روزنامه‌ای را که می‌خواهند توقیف کنند، باید ابتدا جرم او را مشخص نمایند. این امر در مجلس مطرح شد و میان نمایندگان، مذاکراتی صورت گرفت. در این میان سخنان حاجی‌آقا شیرازی، منطقی و قابل قبول به نظر می‌رسید. وی پذیرفت که رعایت قانون واجب است؛ اما حفظ استقلال کشور ارجحیت دارد و یادآور شد که این روزنامه‌ها به اقصى نقاط کشور می‌رود؛ بنابراین وقتی این روزنامه‌ها توسط مردم مشاهده شد، چنین برداشت خواهند کرد که حتی دولت در مرکز هم نمی‌تواند اوضاع را کنترل کند. نخستین اثر چنین تصویری، سلب امنیت کشور است. در ادامه نیز بر این امر تأکید می‌کند: «... واقعاً یا این وزرا طرف اطمینان شما هستند یا نیستند؛ در صورتی که طرف اطمینان شما هستند که قبیح‌تر از این نیست چیزی که یک روزنامه این‌طور اطاله لسان کند، نسبت به وزیری که طرف اطمینان مجلس شورای ملی است و اگر طرف اطمینان شما نیستند شما اول خائن هستید که ورقه آبی روی میزتان نمی‌گذارید و آنها را منفصل نمی‌کنید» (مذاکرات مجلس شورای ملی (دوره دوم)، 16 جمادی‌الاول 1328).

مکاتبه اداری مدعی‌العموم به تاریخ 17 جمادی‌الثانی 1328 ق در این باره در میان اسناد اداری عدلیه موجود است که از وزیر عدلیه جهت پیگیری این امر یا عدم پیگیری سؤال شده است؛ در مکاتبه مذکور، در صورتی که رسیدگی به این پرونده درخواست تعیین هیئت منصفه شده است؛ چرا که بر طبق اصل 79 متمم قانون اساسی در مورد تقصیرات سیاسی و مطبوعات، هیئت منصفین در محاکم حاضر می‌شدند: «و چون به‌موجب قانون اساسی محاکمه راجعه به تقصیرات سیاسیه و مطبوعات باید با حضور هیئت منصفه باشد، لازم است دستورالعمل کافی در باب تعیین، انتخاب هیئت‌مدیره

مزبوره داده شود که رفع بعضی اشکالات شده و هیئت حاکمه هم دچار محذور نشود» (مرکز اسناد آستان قدس رضوی: شماره سند 60595).

وزیر عدلیه در پاسخ به مدعی‌العموم، دستور به مسکوت ماندن این امر می‌دهد: «... رأی هیئت محترمه وزرا براین است که عجالاً این مطلب، موقوف المذاکره و مسکوت‌عنه بماند» (همان: سند شماره 60595). به نظر می‌رسد دولت مشروطه بعد از استبداد صغیر، در پی اعتراضات به توقیف دو نشریه مذکور، ترجیح می‌داد تسامح بیشتری در ارتباط با مطبوعات از خود نشان دهد.

با توجه به اسناد، بازار تهمت و افترا به رجال سیاسی و انعکاس آن در مطبوعات نیز رونق داشته است. این افراد به بی‌دینی یا عدم وطن‌خواهی متهم می‌شدند. در عریضه‌ای به تاریخ 7 جمادی‌الاول 1328 ق، میر محمود میر محمد زاده، تاجر و عضو انجمن ولایتی اردبیل، خطاب به مشیرالدوله، وزیر عدلیه از درج تهمت و افترا به وی و درج در روزنامه‌های مجلس و ایران نو شکایت کرده است:

«جمعی از اهالی اردبیل از فرقه استبدادیان به موجب تلگراف مندرجه در جریده مجلس، نمره 103 و در جریده ایران نو، نمره 282، بعضی تهمت‌ها و مفتریات به اقل‌السادات وارد کرده و داوطلب شده‌اند در هر محکمه بخوادم حاضر، محاکمه شوند. چون ساحت اسلامیت و وطن‌خواهی فدوی از آن همه مفتریات بری است، محض تشخیص حق از باطل به محکمه مرکزیه جزا، تظلم نموده‌ام که شش نفر از آن جماعت را احضار دارالخلافت نمایند. از محکمه جزا از بنده التزام گرفتند، در صورت عدم ثبوت حقانیت خود، خرج ایاب ذهاب شش نفر را نیز بنده بدهم. با وصف این، در احضار آنها و احقاق حق فدوی مسامحه می‌نمایند. به مجلس مقدس نیز در این خصوص تظلم کرده‌ام، به موجب نمره 4707 از آن مقام محترم، به وزارت جلیله عدلیه اعظم مرقوم داشته‌اند. استدعای مظلومانه دارم محض عدالت و حق‌گذاری و حق‌پرستی، امر و مقرر فرمایند محکمه جزا، آن شش نفر را که به ناحق و محض عداوت و لجاجت، ساحت وطن‌دوستی و اسلامیت بنده را [یک کلمه ناخوانا] آلوده و توهین وارد کرده‌اند، به دارالخلافت احضار فرماید تا محاکمه شده، خائن به جزای خود برسد و عبرتاً للظالمین شود. زیاده عرض نداشت. اقل‌السادات میر محمود میر محمد زاده [امضا]» (همان: سند شماره 59677).

در دوره مورد نظر به غیر از موارد فوق، گزارش‌های متعددی در حوزه کیفری، مربوط به اشرار و راهزنان، اختلافات طایفه‌ای، نزاع و درگیری، ضرب و جرح، سرقت و قتل در میان اسناد عدلیه موجود است. از جمله می‌توان به گزارش‌های ذیل اشاره کرد:

اسنادی مربوط به سال‌های 1329 تا 1333 ق موجود است که از اختلاف طایفه کلاه دوزیه با مدیر تجارتخانه حمیدیان موسوم به آقا میرزاعلی، تاجر یزدی در سمنان حکایت دارد. (همان: سند شماره ۶۰۷۰۱، ۶۰۵۰۰) علت این اختلاف مشخص نشده است. به واسطه این اختلاف، اوباش محلی به تحریک طایفه مذکور، به خانه مدیر تجارتخانه حمیدیان حمله می‌کنند. در گزارش وزارت داخله به معاون عدلیه در این باب چنین آمده است:

«...در تاریخ 3 شهر جاری [1329] تلگرافی به امضای جمعی تجار سمنان رسید که مشیرالسادات نام با عده‌ای از اوباش محلی به تحریک طایفه کلاه دوزیه، به خانه مدیر تجارتخانه حمیدیان ریخته و نهایت فزاحی و هتاک‌ی را نسبت به مدیر تجارتخانه مزبور مرعی، از طرف حکومت هم اقدامی در دستگیری مرتکبین به عمل نیامده است. راپورت تلگرافی سمنان نیز اظهارات تجار را تصدیق نموده بود به حکومت سمنان تلگراف شد که مرتکبین را دستگیر و مراجعه به عدلیه داده، حکم صادره را مجری نماید...» (همان: سند شماره 60701)

یکی از مشکلات حکومت، ناامنی در راه‌ها بود. این ناامنی توسط راهزنان و عشایر شورشی بر راه‌های اصلی کشور حاکم شده بود (حسینی، 1384: ص 50). در گزارش‌های متعددی مربوط به وزارت امور خارجه انگلستان (کتاب‌های آبی)، وضعیت رقت بار و نا امن جاده‌های ایران توصیف شده است (رضازاده ملکی، 1377: ص 207، 219، 220، 242، 247، 262، ۳۴۶، ۳۴۵). در میان اسناد عدلیه نیز مکاتبات متعددی از مناطق مختلف ایران به‌ویژه نواحی شمال غرب و غرب موجود است که در آن دفع اشرار و راهزنان که به‌عنوان قطاع الطریق از آنان یاد می‌شد، درخواست شده بود. از جمله در عریضه‌ای خطاب به وزیر عدلیه، اهالی ملایر و عراق، ضمن ارائه شرحی از شرارت‌ها و راهزنی‌های پرویز خان و علی خان ملایری، خواستار مجازات قانونی آنان می‌شوند. (مرکز آرشیو اسناد آستان قدس رضوی: سند شماره 61613).

در شکایت دیگری حاجی داداش از محال آلان براغوش سراب، از مهدی سارق از گماشتگان نصرالله خان قطاع الطریق، به واسطه سرقت 45 شتر از وی، تقاضای احقاق حق می‌نماید (همان: سند شماره 59964).

در دوره موردنظر در حوزه جرائم کیفری، جرم قتل بر اثر نزاع و درگیری، تصادف با وسیله نقلیه درشکه یا اختلاف مذهبی رخ داده است که در اسناد مورد نظر به این موارد اشاره شده است:

- وقوع نزاع میان رعایای قرای زیرکال و موجال واقع در عراق به تاریخ 16 جمادی‌الاول 1327 سبب مجروحیت و قتل عده‌ای شد. همین امر سبب تظلم خواهی اولیای مقتول به عدلیه قم می‌شود. (همان: سند شماره 59652)
- تصادف غلام‌حسین درشکه‌چی با مشهدی محمد، به تاریخ 26 ربیع‌الاول 1328 که منجر به فوت مشهدی محمد و سبب دادخواهی اولیای وی به عدلیه می‌شود. (همان: سند شماره 59972)
- مرگ دو نفر از اعضای فرقه اسماعیلیه. به استناد گزارش آصف الملک، رئیس عدلیه خراسان، بر اثر فتوای معین الغربا، دو نفر از اعضای فرقه اسماعیلیه در درود نیشابور به قتل می‌رسند. رئیس عدلیه خراسان ضمن تأکید بر این امر که این قضیه تأثیر بدی بر مردم گذاشته است؛ به اعتراض قونسول انگلیس به این بهانه که آفاخان محلاتی رئیس فرقه اسماعیلیه، جزو اتباع انگلیس است؛ اشاره کرده و وقوع این قبیل اتفاقات را سبب ایجاد اوضاع نامطلوب و تقاضای محاکمه مرتکبین را می‌کند:

«این حرکت در انظار مردم تأثیر خیلی بدی نموده از طرف دیگر هم جنرال قنسولگری انگلیس به این دستاویز که آفاخان محلاتی در جماعت تابعه دولت انگلیس است و این اشخاص از پیروان او هستند اعتراضات و بحث نموده است. در این موقع وقوع این قبیل اتفاقات تأثیر بدی بخشیده و نتیجه وخیمه خواهد داشت. برای اسکات¹

1- ساکت کردن، آرام کردن

مردم باید مرتکبین را محاکمه نموده در صورت ثبوت تقصیر به رأی خود رسانید...» (همان: سند شماره 61195)

شرح این واقعه در گزارش سایکس، سرکنسول انگلیس در مشهد، در میان اسناد وزارت امور خارجه انگلیس (موسوم به کتاب‌های آبی) نیز موجود است (رضازاده ملک، 1377: ص 313).

نتیجه‌گیری

با بررسی چالش‌های نظام قضا در دوره مشروطیت در حوزه حقوق کیفری، می‌توان چنین ارزیابی کرد که از محتوای قراردادهای منعقد شده میان افراد به واسطه عدم آگاهی یا عدم پایبندی به آنها تخطی می‌شد. املاک، قبالة درستی نداشتند و اگر قباله‌ای وجود داشت مورد توجه نبود. بسیاری اوقات درگیری و شکایت به علت نامشخص بودن حدود املاک رخ می‌داد. ضعف قباله‌های املاک سبب ایجاد پدیده جعل اسناد مالی و ملکی می‌شد. از دیگر مشکلات کیفری مطرح شده، مربوط به جرم‌های سیاسی و مطبوعاتی است. در زمان انقلاب مشروطیت که کشور ایران در نظام نوین حقوقی قرار گرفت جرائم سیاسی و مطبوعاتی نیز مورد توجه بوده است. این امر از موضوعات مهمی است که در مذاکرات مجلس نیز مطرح شده بود. سرقت و راهزنی بیشترین موارد در حوزه کیفری را به خود اختصاص داده است. بدون تردید فقر اقتصادی و نیاز مالی تأثیر به‌سزایی در ارتکاب سرقت داشته است. در باب راهزنی باید گفت اصولاً امنیت راهها و جاده‌ها برای هر کشوری جنبه استراتژیک داشته و با امنیت ملی آن کشور رابطه تنگاتنگی دارد. از سوی دیگر نشان‌دهنده ضعف قدرت حکومت در برقراری امنیت راهها و جاده‌ها و محدودیت اقتدار آن در خارج از شهرهاست.

در مشروطه که بر دو مؤلفه عدالت محوری و قانون مداری تأکید می‌شد، روحیه استبداد و فرا قانونی بودن افراد صاحب نفوذ، اشراف و وابستگان به حکومت را می‌توان مشاهده کرد که البته به قول اندیشمندی از همان دوران، وقتی بنا بر استبداد شد، تمام افراد به استبداد رفتار می‌نمایند و هر قوی به زیردست خود ظلم می‌کند. این ویژگی اجتماعی را می‌توان در لابلای شکایات افراد به عدلیه ملاحظه کرد. با توجه به خواست و توقع مردم نسبت به دولت در حوزه قضا که مبتنی بر رعایت عدالت، قانون و داشتن

استقلال و مبارزه با ظلم و استبداد بود، نرسیدن به این انتظارات سبب یأس و ناامیدی آنان می‌شد. چراکه اعتماد مردم درگرو اقتدار دستگاه قضا دریک نظام حکومتی است، ازاین‌رو، این امر برای حکومت مشروطه، یک ضعف اساسی محسوب می‌گردید. چنان‌که در مکاتبات افراد مطلع، درهمان زمان هم ذکر شده است که انتظام و قدرت عدلیه، سبب اقتدار مشروطه و بالعکس ضعف عدلیه سبب پریشانی و ضعف نظام مشروطه می‌شود. از سوی دیگر، دولت مشروطه با توجه به مشکلات عمیقی که داشت، نمی‌توانست یک‌باره انتظارات مردم را جامه عمل بپوشاند و نیاز به زمان داشت تا قدرتمند شود تا در اعماق امور فرو رود و مشکلات را به‌طور صحیح حل کند. با این حال نظام حقوقی آینده، بر اساس آن تداوم و تحول می‌یابد. تمام موارد ذکر شده را می‌توان از موانع توسعه مطرح کرد که در همان زمان هم برخی از متفکران ایرانی را برای خروج از چنان اوضاعی به تفکر واداشت و در نهایت اندیشه حکومت مقتدر را به کرسی نشاند، قاجارها را مضمحل کرد و پهلوی بر روی کار آمد.

منابع

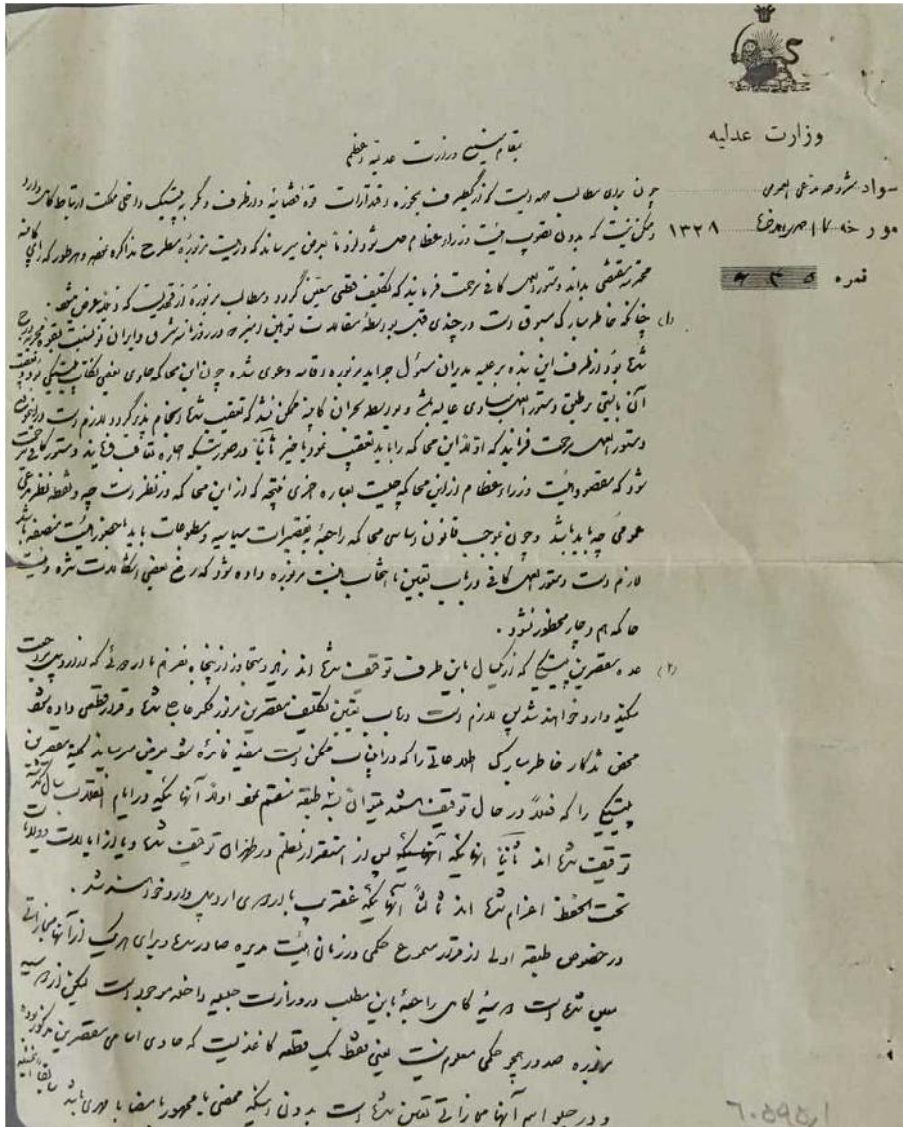
اسناد

- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مجموعه اسناد امجدالسلطان معاون عدلیه مربوط به تشکیلات دستگاه قضا، شماره بازیابی 59497 تا 61909 به تعداد 9000 برگ سند. از جمله این اسناد در حوزه تشکیلات جزایی: 61414، 61413، 61415، 61618، 61614، 61629، 61622، 61623، 61624، 61625، 61626، 61627، 61628، 61629، 61630، 61631، 61632، 61633، 61634، 61635، 61636، 61637، 61638، 61639، 61640، 61641، 61642، 61643، 61644، 61645، 61646، 61647، 61648، 61649، 61650، 61651، 61652، 61653، 61654، 61655، 61656، 61657، 61658، 61659، 61660، 61661، 61662، 61663، 61664، 61665، 61666، 61667، 61668، 61669، 61670، 61671، 61672، 61673، 61674، 61675، 61676، 61677، 61678، 61679، 61680، 61681، 61682، 61683، 61684، 61685، 61686، 61687، 61688، 61689، 61690، 61691، 61692، 61693، 61694، 61695، 61696، 61697، 61698، 61699، 61700.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مجموعه اسناد امجدالسلطان معاون عدلیه مربوط به تشکیلات دستگاه قضا، کارتن شماره 88 و 89 به تعداد 1000 برگ سند.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، به اهتمام: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (ثبت شده در وبسایت: www.ical.ir و لوح فشرده)

کتاب‌ها و مقالات

- رضازاده ملک، رحیم (1377) انقلاب مشروطه ایران به روایت اسناد وزارت امور خارجه انگلیس (کتاب‌های آبی) مازیار: تهران
- روزنامه رسمی کشور (1388). مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- دامغانی، محمدتقی (1357). صدسال پیش از این، تهران: شبگیر.
- حسینی، محمدتقی (1384) «تأملی در ریشه‌های اجتماعی جنبش مشروطیت» تاریخ روابط خارجی، شماره 23، ص 35-64
- لطفی لاریجانی، عبدالعلی (1317). «حقوق جزایی: مجازات خلاف جنحه جنایت و یا تشدید و تخفیف پاداش و سزا به اعتبار شدت و ضعف زیان جرم» مجموعه حقوقی، شماره 51، ص 15-18.

پیوست‌ها



نامه اداری از مدعی العموم، خطاب به وزیر عدلیه در باب کسب تکلیف در موضوع پرونده مجرمین سیاسی و اقامه دعوی علیه روزنامه‌های شرق و ایران به جهت درج مقالات توهین آمیز و پرونده متهمین کاغذ ساز (جعل اسناد).

عریضه مآثر مردم محترم امجد السلطان

مذمت مستطاب میر فتح آقا محمد سلطان معاون وزارت عدلیه و امجد السلطان

قدردانان شیراز را که بحسب ارشاد بن کینه بریده بود ملک طلیح تریب حضرت مستطاب عدلیه

عین مردم در زانی صدر است خود با عدل مردم تریب درده بجهت تریب اسم تریب آنگاه مستطاب عدلیه

آنگاه امجد غیب نمود بجهت مردم بر جوار و تولدت معروف به بهر حسن نفع و نفع محلی مستطاب

نامه بنظر نهد ساحت کرده بدون اطلاع کسینه حکایت آنگاه با عدل مردم در تریب بر کینه عدلیه

عاری شرم و کجاست ناصر لکارت را در وقت عداوت در آنگاه در اجلاس مستطاب

چنین بنام کینه را که بگردد محبت نیز این آنگاه که چنین نفع در کاغذت را که در کینه

تست و آرزو آنگاه با نام معتمد محموله کاغذت نامی کینه در زانی کینه و براج عدلیه

ساخته کینه در محله فرافیت است مخصوصاً براج لطفانی رفته همه را دیده است مستطاب

ام نفعی آن را که حضرت در ذرات عدلیه عرض کرده صادر برای اطلاع عدلیه

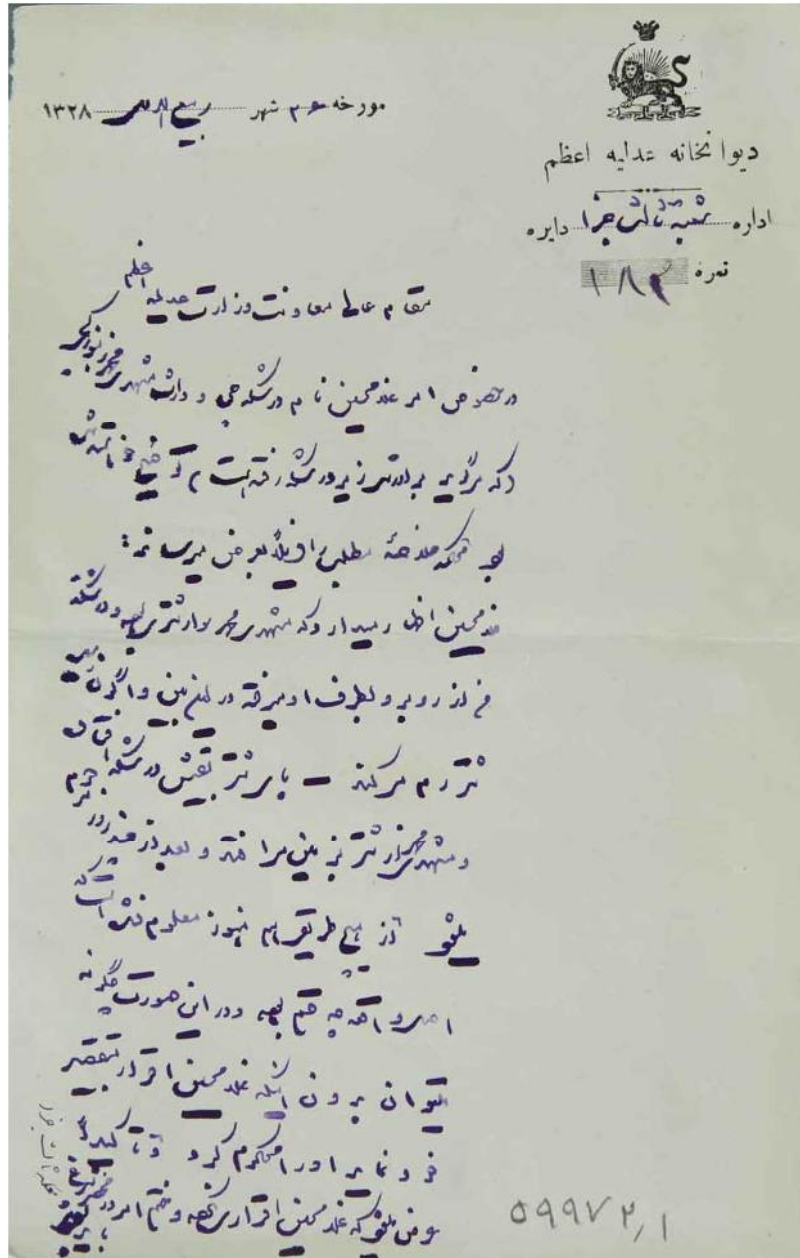
سکنیم و شفقت بهر مایه آن نهاده محموله و سکت را که بنظر افاض محترم بنمودند زانی

بیز و در زانی معذور نزد معتمدین است خود حضرت تریب است امجد السلطان

عریه بر بنام در بنام کاغذت در زانی آن نهاده محموله و سکت در زانی

از زانی نفع و حق کینه در زانی لطف و پایال خورد زانی عدلیه

عریضه خطاب به امجد السلطان، معاون عدلیه در باب فروش ملک توسط شاهزاده عین الدوله با سند جعلی.



گزارش شعبه ثالث جزا به امجدالسلطان، معاون عدلیه در باب تصادف مشهدی محمد با غلام حسین درشکه چی